

بررسی تطبیق مبانی نظام سیاسی اسلام و نظام سیاسی لیبرال دموکراسی در حوزه امنیت

زینب رئیسی^۱

چکیده

هر دو نظام سیاسی لیبرال و اسلام از جمله رویکردهای اساسی در حوزه مدیریت سیاسی و مفاهیم انسانی در عرصه کنونی به شمار می روند؛ به گونه ای که در برخی از موارد رقابت های به منظور توسعه سیاسی میان این دو دیده می شود. از این جهت، بررسی و مقایسه شاخص های اساسی این دو نظام سیاسی از اهمیت بسزایی برخوردار است. هدف از این پژوهش مقایسه میان شاخص های اصلی این دو نظام به منظور نشان دادن نقاط قوت و ضعف در مدیریت امور انسانی و امنیت در جوامع امروزی است. سوال اصلی پژوهش این است که اصول و مبانی نظام سیاسی اسلام و لیبرال دموکراسی چیست. فرضیه پژوهش نشان دهنده این است که نظام سیاسی اسلام بر اصل شریعت و خدامحوری و در نظام سیاسی لیبرال دموکراسی بر انسان محوری و فردیت جامعه استوار است. پژوهش حاضر از لحاظ اجرایی به روش کتابخانه ای و از جهت داده پردازی به توصیف و تحلیلی پرداخته است.

واژگان کلیدی: اسلام، امنیت، دموکراسی، سیاست، لیبرال، نظام.

مقدمه

^۱ - زینب رئیسی، طلبه سطح دو، حوزه علمیه فاطمیه کرج، zraeesi2020@gmail.com

تحلیل وقایع کنونی بابر خوردد و جریان قدرتمند، یعنی اسلام و دموکراسی مشخص می شود. شیوه رفتار و جریان فوق، توجهات رابه خود معطوف نموده است. این موضوع در علوم متعددی مانند علوم سیاسی، روانشناسی اجتماعی، جامعه شناسی ... مورد بررسی قرار گرفته شده است. اما در این نوشتار از نظر علوم سیاسی مورد بررسی قرار گرفته شده است. آن چه در این زمینه مطرح می شود تفاوت مبانی نظام سیاسی اسلام و نظام سیاسی لیبرال دموکراسی در چیست. از این جهت بررسی و مقایسه مبانی نظام سیاسی اسلام و لیبرال دموکراسی به عنوان دورویکرد مهم در عرصه سیاسی در جهان دارای اهمیت است و می توانند در توسعه نظام سیاسی تاثیر بسزایی داشته باشد. نظام سیاسی، نظامی است که به امور سیاسی و دولتی می پردازد. لیبرال دموکراسی نوعی از حکومت است که در آن دولت دموکراتیک، برخی ویژگی های لیبرالیسم را پذیرفته است. بر اساس اصول دموکراسی لیبرال، انتخابات باید آزاد و منصفانه و روند سیاسی رقابتی باشد. تکثیر گرای سیاسی معمولاً با حضور متعدد و مجزای احزاب سیاسی تعریف می شود. از این رو، برخی محققان، نویسندگان و نظریه پردازان سیاسی، عصر کنونی را دوره حاکمیت نظام های لیبرال - دموکراسی نامیده اند. لیبرال دموکراسی، نه دموکراسی لست و نه لیبرالیسم؛ بلکه لیبرال دموکراسی، ترکیبی از برخی ویژگی های دموکراسی و لیبرالیسم رابه تنهایی در خود دارد و در عین حال، تفاوت هایی بین نظام لیبرال دموکراسی و دموکراسی و لیبرالیسم به چشم می خورد. از جمله دموکراسی جمع گرا است. برخلاف آن لیبرالیسم به تصمیم گیری، خیر و اصال فردی اهمیت می دهد، یعنی دموکراسی بر عمومی بودن قلمرو افراد، لیبرالیسم بر خصوصی بودن آن و لیبرال دموکراسی به قلمرو تحدید شده تاکید دارد؛ ولی لیبرال دموکراسی، دموکراسی را تا جایی مطلوب می داند که به آزادی فردی سلطه ای وارد نسازد. بنابراین دموکراسی نقطه مقابل لیبرالیسم، به تقدم منافع فردی بر منافع جمعی اندیشیده است.

نظام سیاسی اسلامی یا همان مردم سالاری دینی، شیوه ای از حکومت داری در کشورهای اسلامی است که شهروندان دین باور و در چارچوب آموزه های شریعت، مشارکتی فعال در زندگی سیاسی دارند و از هرگونه استبداد فردی در تصمیم گیری های عمومی اجتناب می کنند. الهی بودن ذات حاکمیت و واگذاری حاکمیت از طرف خدابه مردم را دو عنصر اصلی این نوع حکومت دانسته اند. مردم سالاری دینی یا مردم سالاری اسلامی شیوه ای از زندگی سیاسی مسلمانان در جهان مدرن دانسته شده که بر مشروعیت الهی - مردمی حکومت تاکید می کند. در زمینه موضوع نظام سیاسی اسلام و لیبرال دموکراسی آثار متعددی نوشته شده است؛ اما در مورد این موضوع به طور اخص مطلبی نوشته نشده است. آثاری که به طور غیر مستقل یا خاص به این موضوع پرداخته اند عبارتند از:

شیروودی (۱۳۸۳) در پژوهشی به عنوان "لیبرال دموکراسی در بوته نقد" بر این نتیجه است که نظام لیبرال دچار بحران های نظری عدیده است. آن چه بیش از هر چیز بحران های نظری لیبرال دموکراسی را تایید می کند

ناکارآمدی آن نظریه در عرصه عمل است. رحیمی (۱۳۹۳) در پژوهشی به عنوان "حقوق متقابل ملت و دولت از دیدگاه اسلام و لیبرالیسم" به این عقیده است که در مکاتب حقوق طبیعی و عقلی و پیوستگی، انسان به گونه کشفی یا جعلی قانون گذاری می کند، اما در مکتب حقوقی اسلام، قانون گذار واقعی فقط خداست و پذیرش هر قانونی به جزء قانون الهی شرک به حساب می آید. بشیریه (۱۳۸۱) در کتاب "درس های دموکراسی برای همه" بر این نتیجه است که پیچیدگی ساختار دولت در دموکراسی های امروز خود خطری برای دموکراسی به شمار می رود.

مقاله حاضر ابتدا به مبحث مفهوم شناسی، هدف اصلی نظام سیاسی اسلام و لیبرال دموکراسی، اصول نظام سیاسی اسلام و لیبرال دموکراسی، اهداف فرعی نظام سیاسی اسلام و لیبرال دموکراسی و امنیت در دو نظام سیاسی پرداخته شده است.

۱- مفهوم شناسی

برای فهم دقیق مطالبی همچون لیبرال، دموکراسی، نظام و... لازم است ابتدا به بیان معنای و مفهوم لغوی و اصطلاحی اشاره شود.

۱-۱- مفهوم لغوی امنیت

ریشه لغوی واژه امنیت از ثلاثی مجرد (امن) و با مشتقاتی مانند: استیمان، ایمان و ایمنی است که به اطمینان و آرامش در برابر خوف، تفسیر، تعریف و ترجمه شده است.^۱

۱-۲- مفهوم اصطلاحی امنیت

امنیت به معنای آرامش، آسودگی و ایمنی است. در فرهنگ سیاسی مهم ترین عنصری که برای امنیت منظور می کنند فقدان تهدید است. البته چون فقدان تهدید به طور مطلق و تمام دست نیافتنی است. "به حداقل رساندن تهدید" را مفهوم امنیت را کافی دانسته اند.^۲

مفهوم امنیت مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت است و درباره افراد به معنای آن است که در مورد حقوق و آزادی های مشروع خود بیم و هراسی نداشته باشند و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید نکند.^۳

امنیت دوری از هر گونه تهدید و نیز آمادگی برای رویارویی با خطرات است. مفهوم امنیت نسبی و دارای شدت و ضعف است، به این معنا که در برخی موقعیت های (زمان و مکان مختلف) در ذهن افراد ارتقاء یا کاهش می یابد. امنیت از ضروری ترین نیازهای یک جامعه است.^۱

۱- اخوان کاظمی، امنیت در نظام سیاسی اسلام، ص ۹. ^۱

۲- امام جمعه زاده، درجانی، امنیت در اسلام مبانی و قالب های فکری، ص ۱۲۷.

۳- عمید زنجانی، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، ص ۳۵۷.

با توجه به مفهوم واژه امنیت به این نکته باید اشاره کرد که امنیت با توجه به مفهوم اصطلاحی دارای معانی متفاوتی می باشد. در واقع عدم تعریف دقیق و عام از امنیت به دلیل این است که امنیت امری نسبی است و در اثر مسائل نظامی و سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی در هر مکان و هر زمان ممکن است تعریف متفاوتی داشته باشد.

۱-۳- مفهوم لغوی اسلام

گردن نهادن، فرمان بردن، فروگذاریدن، بازگذاشتن، پذیرش دینی (بطور عموم) پذیرفتن شریعت محمد بن عبدالله. دین محمد بن عبدالله.^۲

۱-۴- مفهوم اصطلاحی اسلام

دین و ملت، دین آسمانی که خداوند از بدو آفرینش توسط پیامبران برای مکلفین فرستاده (ان الدین عندالله اسلام) به نزد خداوند، اسلام است.^۳ (ومن یبتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه) هر که جز اسلام دین دیگری را بخواهد از او پذیرفته نگردد.^۴ (هو سماکم المسلمین من قبل) ابراهیم از پیش شمارا مسلمان نامید.^۵ دین اسلام، دینی که از جانب خداوند آفریدگار حکیم و آگاه به درون و برون هر کس و هر چیز توسط پیامبران و امنای وحی جهت به زیستن بشر مدنی الطبع تشریع گشته است.^۶

اسلام از ماده تسلیم گرفته شده و به معنای وسیع کلمه، تسلیم مطلق در برابر فرمان الهی و داشتن توحید کامل و خالص و پاک بودن از هر گونه شرک و بت پرستی است.^۷ اسلام، به معنای عام یعنی تسلیم کامل در برابر امر الهی، به همه ادیان الهی اطلاق می شود و اسلام به معنای خاص ناظر به آخرین تقریری است از اسلام که به وسیله حضرت محمد صلی الله علیه و اله به بشر ارزانی شده است.^۸

بالشاره به مفهوم اسلام، آیینی است که غایت سعادت و هدف اصلی و بالاترین کمال انسانی را گردن نهادن و اطاعت از فرمان الهی می شمارد و این دین هر موحداست. .

۱-۵- مفهوم لغوی دموکراسی

^۱ - آشوری، دانشنامه سیاسی، ص ۳۸.

^۲ - معین، فرهنگ، ج ۱، ص ۱۵۳.

^۳ - ال عمران، ۱۹.

^۴ - ال عمران، ۸۵.

^۵ - حج، ۷۸.

^۶ - دشتی، معارف و معاریف، ج ۱، ص ۷۶۸.

^۷ - طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۲۰۷.

^۸ - لنگه‌اوزن، اسلام و کثرت گرایی دینی، ص ۹۸.

حکومتی که در آن قدرت عالیه منبعث از ملت است و ملت اعمالش را هدایت می کند، حکومت مردم بر مردم.^۱

۱-۶- مفهوم اصطلاحی دموکراسی

حکومت مردمی، حکومتی که در آن حاکمیت در دست مردم است و طبق نظر و خواست مردم اداره می شود و آراء مردم در آن دخیل است. در مقابل حکومتی که در دست طبقه ای خاص، یا فردی معین، مستبدانه اداره می شود. خداوند به حاکم مسلمین -نبی اکرم صلی الله علیه و اله با دارا بودن مقام نبوت و عصمت- می فرماید: (و شاورهم فی الامر). با مردم در امور عامه مشورت کن.^۲ حتی قرآن بعضی حکومت های دموکراسی در گذشته تاریخ نیز اشاره می کند: (قالت یا ایها الملافئون فی امری ما کنت قاطعه امرا حتی تشهدون). بلکه سبا -خطاب به مردم- گفت: ای جمع! در این امر مهم که به من متوجه شد- نامه حضرت سلیمان به مضمون دعوت وی به اسلام- نظر بدهید، که من تاکنون بی حضور شما به هیچ کار تصمیم نگرفته ام. (نمل: ۳۲)^۳

دموکراسی در وسیع ترین تعریف یعنی: شیوه زندگی جمعی که در آن همگان برای مشارکت های اجتماعی، آزادانه از فرصت های مساوی برخوردارند؛ اما در حوزه سیاسی دموکراسی، تنها بر فراهم آوری تنها بر فراهم آوری فرصت برای مشارکت آزادانه شهروندان در تصمیم گیری های سیاسی تاکید دارد. در این معنا دموکراسی، فقط شیوه زندگی سیاسی را به تصویر می کشد، یا شکلی از جامعه سیاسی را که در آن ارزش های نسبی اند، به نمایش می گذارد. این دموکراسی بر، برابری انسان ها، قانون، حاکمیت مردم، تاکید بر حقوق طبیعی، مدنی و سیاسی انسانی استوار است.^۴

ساده ترین مفهومی که از دموکراسی پذیرفته شده این است که دموکراسی یک واژه یونان باستان و مرکب از (مو) یا (دموس) به معنای عامه مردم و (کراسی) یا (کراتین) به معنای حکومت کردن است. پس اصطلاح دموکراسی عبارت از حکومت کردن مردم است و این که مردم در تعیین خط مشی سیاسی جامعه شرکت دارند.^۵

با توجه به مفهوم دموکراسی یعنی حکومت مردم بر مردم که با توجه به شرایط و قوانین هر کشوری به اجرا درمی آید.

^۱- معین، فرهنگ، ج ۱، ص ۶۹۵.

^۲- آل عمران: ۱۵۹.

^۳- دشتی، معارف و معاریف، ج ۴، ص ۲۷۵۱.

^۴- رابرت دال، درباره دموکراسی، ص ۴۸.

^۵- کوهن، دموکراسی، ص ۲۳ و ۲۶.

درس‌رزمین‌های اسلامی توجه دارد و در همین راستاست که مسلمانان را از مداخله و سازش با دشمن بر حذر می‌دارد و در عین حال به انعقاد و پیمان صلح عادلانه با دشمن تاکید می‌نماید.

از دیدگاه اسلام، حفظ و تامین امنیت از وظایف حکومت اسلامی است. به طور کلی حضرت علی علیه السلام وظیفه حکومت راسه چیز اعلام می‌دارد:

۱. اصلاح اهل

۲. عمران بلاد

۳. حفظ ثغور

اصلاح اهل: یعنی ترقی و تعالی انسانها و نسل‌های آدمی، تکامل استعدادهای نهفته در هر انسان در زمره این وظیفه می‌باشد.

عمران بلاد: نیز توسعه و ترقی عمدتاً مادی سرزمین اسلامی مورد توجه قرار می‌دهد. حفظ ثغور: حفظ مرزهای کشور است. با توجه به مضمون روایت فوق در حقیقت، روابط بین‌المللی وسیله‌ای در تحکیم و حفظ ثغور سرزمین است و مسئولین بخش‌های دیگر اجرایی در اصلاح اهل و عمران بلاد مسئولیت خود را باید همگام با برنامه حفظ شوون و ثغور بین‌المللی کشور اسلامی ایفا نمایند.^۱ در رهیافت توحیدی، هدف غایی امنیت در این است که زمینه کمال انسانی از طریق عبودیت برای رسیدن به قرب الهی فراهم شود، به همین آن را امتعالی می‌نامیم. مفهوم امنیت از یک سو بسیط است به این معنی که هر انسانی امنیت یا ناامنی را درک می‌کند؛ ولی از سوی دیگر پیچیده است و تعاریف متعدد و متنوعی از آن ارائه می‌شود.

در مقابل نظام سیاسی لیبرال دموکراسی برایین باور است که انتقال، تغییر و تبدیل حکومت‌های پیش‌زمینه بازنویسی مفهوم امنیت است. در این روند توجه به حقوق بشر، هویت‌های فرهنگی و حیات اقتصادی و زیست‌بومی از اولویت‌های اساسی هستند. اما امنیت به ایجاد بستری برای مشارکت‌های مردمی در سطح بین‌المللی، نیازمند است تا آن را از انحصار متخصصان امنیتی و سیاست‌گذاران دولتی خارج کند؛ به عبارتی باید در تلاش بود تا این ذهنیت محوشود که دولت‌ها تنها تامین‌کنندگان امنیت هستند. در دیدگاه لیبرالی از توازن قوا حاصل نمی‌شود، بلکه حاصل تعامل‌هایی است که میان لایه‌های مختلف حاکمیتی، سازش میان قوانین، هنجارهای مشارکت، رژیم‌های بین‌المللی و مقررات نهادی وجود دارد.^۲

^۱- اردکانی، ملاحظه‌ای درباره امنیت ملی، ص ۹۸.

^۲- ابراهیمی و دیگران، بررسی تطبیقی امنیتی اسلام با رویکرد امنیتی رئالیسم و لیبرالیسم، ص ۵-۶.

بنابراین، نظریه امنیتی نظام سیاسی اسلام، همانند نظام سیاسی لیبرال دموکراسی از امنیت وصلح جهانی صحبت می کند با این تفاوت که در اسلام، ترکیبی از آموزه های وحیانی و عقلایی، محور است و نه فقط توجه صرف به عقل بشری. در یک نگاه کلی هرگاه سخن از امنیت به میان می آید، آن چه به ذهن می رسد امنیت جان و مال است؛ اما این در حالی است که برای یک جامعه سالم و سعادت مند امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فردی،... نیز مطرح می باشد و لازم است که حکومت ها امنیت جامعه را در تمام ابعاد مورد بررسی قرار دهند. در این مقاله بیشتر در مورد امنیت سیاسی مورد بحث قرار گرفته شده است. امنیت سیاسی به معنای وجود دستگاه سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون هیچ ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را هر چند مخالف حکومت باشد، در چارچوب قوانین موجود بیان نمایند.

نتیجه گیری

لیبرال دموکراسی غربی با وجود آشکار بودن ضعف و ناکارآمدی، در صد آن است که خود را تنها نسخه ی نهایی برنامه ی جامع تامین سعادت و رفاه بشری معرفی کند و با ایجاد یک امپراتوری قدرت و ثروت، حاکمیت خود را به این بهانه ها به جوامع تحمیل نماید. تجربه بشر غربی مویذ آن است که انسان به تنهایی قادر به تعیین هدف آفرینش و تنظیم برنامه زندگی که سعادت واقعی او را در جهان دنیوی و اخروی تضمین نمایند، نیست؛ چون ابزار شناخت انسان یعنی حس و تجربه و عقل، ابزار محدود و نسبی هستند که نه تنها خطا پذیرند، بلکه حتی

از شناخت تمام ابعاد وجود خود انسان نیز عاجز ندتاچه رسد به این که رموز جهان آفرینش و اسرار نهفته عالم غیب و آخرت را دریابند. امروزه در جوامع غربی شاهد تزلزل اجتماع و خانواده در تمام ابعاد و بسترها می باشیم و هیچ یک از نظام های روی کار آمده نتوانسته اند، به افراد جامعه ارزش و خودباوری را به ارمغان بیاورند. با توجه به بررسی مبانی نظام سیاسی اسلام و نظام لیبرال دموکراسی، واضح است در یک نظام حکومت اسلامی تنها خداوند است که عالم به تمام حقایق فرض می شود و با ارائه قوانین منطبق با فطرت و هماهنگ با خلقت، بشر را به سعادت نهایی می رسد. به دین جهت به پژوهشگران پیشنهاد می شود تا در زمینه حاکمیت و مطالبه گری مردم در این دو نظام بررسی شود. در جامعه اسلامی، همه چیز در خدمت تعالی انسان قرار می گیرد. این تعالی با تقرب به خداوند حاصل می شود. از این رو نظام سیاسی اسلام در مقایسه با نظام سیاسی لیبرال دموکراسی و جوامع غربی و شرقی، با تقرب به نظام الهی در تامین سعادت و رفاه بشری موفق و سربلند است و انسان با الگو گرفتن از این نظام به سعادت و کمال واقعی دست پیدا می کند.

فهرست منابع

*قرآن

۱. نهج البلاغه، رضی، ترجمه جعفر شهیدی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۷۴. ش.
۲. -----، ترجمه فیض السلام، بی نا، بی تا.
۳. ابوالحمد، عبدالحمید، مبانی سیاست، توس، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۰. ش.

۴. اخوان کاظمی، بهرام، امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان.
۵. آشوری، داریوش، فرهنگ سیاسی، مروارید، تهران، چاپ چهاردهم، ۱۳۵۸ ه.ش.
۶. -----، دانشنامه سیاسی، -----، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۷ ه.ش.
۷. آقابخشی، علی، افشاری راد، مینو، فرهنگ علوم سیاسی، چاپار، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ه.ش.
۸. براتعلی پور، مهدی، لیبرالیسم، انجمن معارف اسلامی ایران، ۱۳۸۲ ه.ش.
۹. بشیریه، حسین، درس های دموکراسی برای همه، موسسه پژوهشی نگاه معاصر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ه.ش.
۱۰. خمینی، روح الله، صحیفه نور، طبع و نشر، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ه.ش.
۱۱. دشتی، سیدمصطفی حسینی، معارف و معاریف، (دایره المعارف جامع اسلامی)، جلد ۱، تهران، سپید موی اندیشه
۱۲. زرشناس، شهریار، اشاراتی درباره لیبرالیسم در ایران، کیهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ه.ش.
۱۳. صادقی، هادی، پلورالیسم: دین، حقیقت، کثرت، موسسه فرهنگی طه، قم، ۱۳۷۷ ه.ش.
۱۴. عالم، عبدالرحمن، تاریخ فلسفه سیاسی غرب، ج ۱، وزارت امور خارجه، چاپ هجدهم، ۱۳۹۳ ه.ش.
۱۵. علی بابایی، غلامرضا و آقای، بهمن، فرهنگ علوم سیاسی، ویس، کتاب اول، تهران، ۱۳۶۵ ه.ش.
۱۶. علیزاده، عزیزالله، فرهنگ دو جلدی معین، جلد ۲، تهران، آدنا، کتاب راه نو، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ ه.ش.
۱۷. عمیدزنجانی، عباسعلی، مبانی حقوق بشر در اسلام و دنیای معاصر، مجد، تهران، ۱۳۸۸ ه.ش.
۱۸. -----، مبانی اندیشه سیلسی اسلام، تهران، پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۴ ه.ش.
۱۹. کواکبی، سید عبدالرحمن، طبیعت استبداد، ترجمه عبدالحسین میرزای قاجار، نقد و تصحیح محمد جواد صاحبی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۲ ه.ش.
۲۰. مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی مبانی اقتصادی اسلامی، حکمت، ۱۴۰۳ ه.ق.
۲۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد ۱، تهران، آدنا، کتاب راه نو، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ ه.ش.
۲۲. مولانا، حمید، اسطوره دموکراسی، شرکت انتشارات کیهان، چاپ دوم، خرداد ۱۳۹۱ ه.ش.
۲۳. نبویان، سید محمود، جستارهایی در باب دین و دنیای مدرن، پرتو ولایت، نگارش، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۷ ه.ش.
۲۴. نصرتی، علی اصغر، نظام سیاسی اسلام، قم، هاجر، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۹ ه.ش.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ترجمه علی کرمی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ ه.ش.
۲۶. _____، مکارم الاخلاق، ترجمه محمد حسین اعلمی، موسسه اعلمی، بیروت ۱۴۲۸ ه.ق.

۲۷. غزالی، ابوحامد، احیاء علوم الدین، ترجمه موید الدین خوارزمی، به کوشش حسین خدیوچم، بنیاد فرهنگ ایران، جلد ۱.
۲۸. فارابی، ابونصر محمد، احصاء العلوم، ترجمه حسین خدیوچم، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸ ه.ش.
۲۹. آلن دال، رابرت، درباره دموکراسی، ترجمه حسن فشارکی، شیرازه.
۳۰. آندرو، لوین، طرح و نقد نظریه لیبرال دموکراسی، ترجمه سعید زیبا کلام، سمت، چاپ سوم، ۱۳۹۲ ه.ش.
۳۱. کوهن، کارل، دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، خوارزمی، تهران، ۱۳۷۳ ه.ش.
۳۲. گنون، رنه، بحران دنیای متجدد، ترجمه ضیاء الدین دهشیری، امیر کبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۲ ه.ش.
۳۳. لسون و دیگران، آشنایی با علم سیاست، ترجمه بهرام ملکوتی، جلد ۱، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۵ ه.ش.
۳۴. هیوود، اندرو، درآمدی بر ایدئولوژی های سیاسی، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۶ ه.ش.

مقالات

۳۵. ابراهیمی، شهرروز، ستوده، علی اصغر، شیخون، احسان، "بررسی تطبیقی رویکرد امنیتی اسلام با رویکرد امنیتی رئالیسم و لیبرالیسم"، دو فصلنامه علمی-پژوهشی، جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۲، شماره ۱، بهار و تابستان، ۱۳۹۳ ه.ش.
۳۶. اخوان کاظمی، بهرام، "مقایسه ای میان دین سالاری سپهر مهدوی، لیبرال دموکراسی و مردم سالاری دینی"، مجموعه مقالات دومین همایش مردم سالاری دینی در رویکرد تطبیقی و کاربردی، به کوشش محمد رضا مرندی، نشر معارف، قم، ۱۳۸۸ ه.ش.
۳۷. امام جمعه زاده، جواد، درجانی، حسین، "امنیت در اسلام، مبانی و قالب های فکری"، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، سال دوم، شماره ۵، زمستان، ۱۳۸۹ ه.ش.
۳۸. شمس اردکانی، علی، "ملاحظه ای درباره امنیت ملی" مجله سیاست خارجی، سال اول، شماره ۱، دی و اسفند، ۱۳۶۵ ه.ش.

منابع الکترونیکی

۳۹. سایت khamenei.ir